

استثناگرایی در هویت فضای مدنی ایران

دکتر محمدحسین رامشت

دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

فرهاد باباجمالی

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

چکیده

ایران را از نظر معیارهای خاصی می توان یک سرزمین استثنائی تلقی کرد. تفاوت های ارتفاعی آن هم در طیف منفی ۲۸ تا ۵۶۷۸ متر از سطح دریا، تفاوت های اقلیمی بوسعت استوا تا قطب، تنوع حیرت انگیز گیاهی و دهها ویژگی منحصر بفرد دیگر می تواند اغراق آمیز نبودن واژه استثنائی را تا حدودی توجیه نماید. به لیست انحصارات ویژه این سرزمین قانون رشد مدنیت ها را نیز باید افزود. نیم نگاهی به سیر تاریخ تحول کانون های مدنی در دنیا نشان می دهد که پیدایش و تحول کانون های مدنی از قانون خاصی پیروی میکند، بطوری که بر اساس تحلیل های ویل دورانت دوره های حاکمیت یخچال ها در کره زمین دوره انقباض مدنیت و دوره های حاکمیت بین یخچالی، دوره بسط مدنیت ذکر شده است (ویل دورانت، ۱۹۸۲، ص ۳).

این قانون در مورد ایران درست معکوس عمل شده و لذا ایران را باید از این نظر نسبت به قانون جاری در دنیا مستثنی کرد. این مقاله که بر گرفته از یک طرح پژوهشی در دانشگاه اصفهان است، سعی دارد بر اساس تحلیل عناصر زمین ریخت شناسی دیرینه، قوانین حاکم بر تحول مدنیت در ایران را در چهارچوب معارف علوم زمینی

و محیطی تبیین نماید. نتایج ارزیابی ها در این طرح نشان می دهد که:

- رشد کانون های مدنی در ایران درست جهتی عکس با آنچه در اروپا و امریکا رخ داده بوده بنحوی که دوره های انقباض و انبساط مدنی در ایران مقارن با اروپا و امریکا نبوده است.

- در ایران انقطاع دوره مدنی مانند آنچه در اروپا و امریکا معمول بوده وجود نداشته است و درست زمانی که بخشی از ایران دوره انقباض مدنی را میگذرانده بخش دیگری از این سرزمین دوران انبساط را تجربه می کرده است.

- ثمره حاکمیت دوره های آناگلیشیال در ایران شکل گیری مدنیت سرد و حاکمیت دوره کاتاگلیشیال شکل گیری مدنیت گرم بوده است ولی چنین رخدادی بصورت تناوبی و تواتری مطلق صورت نمی گرفته بلکه همزمانی این رخدادها از ویژگی های استثنائی مدنی در ایران تلقی می شود.

واژگان کلیدی: ایران، مدنیت، دوران چهارم، آناگلیشیال، کاتاگلیشیال، تغییرات اقلیمی

مقدمه :

بین هویت مکانی و تاریخ انسانها رابطه انکارناپذیری وجود دارد. همین امر موجب شده که بسیاری از محققین برای تبیین تاریخ انسانهای هر مکان و انتقال آن به نسل آینده تلاش خود را بر بسیاری از حوادث طبیعی متمرکز نمایند زیرا اینگونه حوادث تأثیرات عمیقی در فرهنگ و رفتار انسانی داشته و لذا بر اساس بازشناسی موارث زمین ریخت شناسی و اقلیمی موجود، امکان بازسازی تاریخ تطور آن‌ها بهتر فراهم می‌شود.

تغییرات اقلیمی در دوران چهارم تأثیرات مهمی بر جابجائی و مهاجرت‌ها، مشاغل، مساکن و... بشری داشته است. تلاش زمین ریخت شناسان در این زمینه بیشتر بر تأثیراتی تاکید دارد که بر فرایندهای شکلزا و فرم اراضی متمرکز بوده و این اطلاعات که بصورت شواهد و آثار فرمی بر صحنه طبیعت باقی مانده کمک شایانی به دیگر محققین در درک بهتر محیط‌های اقلیمی گذشته کرده است و از این رو دست یابی به اطلاعاتی در زمینه گستره و چندو چونی عملکرد دوره‌های تناوبی اقلیمی به شناخت بیشتر تاریخ طبیعی کانونهای مدنی کمک و بسیاری از حقایق مربوط به تغییرات فضاها کالبدی را توجیه مینماید بطوری که در اکثر موارد تکمیل کننده تاریخ و سیر تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها بوده است. (فلامکی ۱۳۶۸، ص ۴۳-۴۵) بطور کلی میتوان تغییرات اقلیمی حادث شده که منجر به تحولات مدنی گردیده را دارای ویژگی‌های ذیل دانست:

- تغییرات در سطح گسترده‌ای از جهان رخ داده است.
- این تغییرات بصورت تناوبی و به صورت حاکمیت دوره‌های سرد و گرم بوده است.
- پایداری این تغییرات سبب تغییرات عمده شرایط زیست محیطی بوده است
- ناگهانی بودن آن سبب از میان رفتن جوامع بشری و تدریجی بودن آن سبب جابجائی و مهاجرت‌های بزرگ اقوام شده است.

اگرچه باستان شناسان در زمینه تاریخ ایران کارهای ارزشمندی صورت داده‌اند ولی باید اذعان نمود

که کارهای آنها کمتر معطوف به چنین دیدگاه وزمینه هائی بوده است. در زمینه بازشناسی شرایط محیطی و تحلیل و تاثیر آن در فرهنگ جوامع مدنی کارهای ولیکوفسکی^۱ (۱۹۵۰-۱۹۵۵) از بداعت و نوآوری خاصی برخوردار است. وی با انتشار دو کتاب سالهای بحران^۲ و جهان واژگون شد^۳ روش بدیعی را در تحلیل و بازشناسی محیطی طبیعی و رخدادهای آن ارائه داد. سید سجادی (۱۳۸۴) به تأثیر محیط طبیعی بر چگونگی استقرار انسان در فلات ایران پرداخته و از دو منظر جغرافیایی و باستان‌شناسی موضوع را به بحث گذارده‌اند. صادقی (۱۳۸۳) به نوسانات اقلیمی دوران چهارم و فرآیندهای شکل‌زا در دوره‌های مختلف و در ادامه به رفتار بیوم‌ها و جانوران در طول دوران چهارم اشاره نموده و به تمدن‌هایی که توسط انسان به وقوع پیوسته پرداخته‌است. مطالعات مربوط به دیرینه سنگی، در ایران به کارهای دموورگان (۱۹۰۷) باز می‌گردد، وی ضمن کشف پاره‌ای ادوات سنگی در رسوبات پلیوستوسن در حوزه خزر اظهار می‌دارد که ایران در این دوره به وسیله یخچالهای کوهستانی و دریاچه‌ها پوشش داده می‌شده است. کون (۱۹۷۵) در کتاب هفت غار اطلاعات خود از حفاری‌های مربوط به دوره دیرینه سنگی میانی را تحت عنوان فرهنگ بارادوستستان^۴ منتشر ساخت.

درباره قدیم‌ترین آثار زندگی انسان در ایران و تغییرات اقلیمی دوران چهارم رایت (۱۹۶۳) ویتافنری^۵ (۱۹۸۰)، وان‌زیست^۶ (۱۹۷۷)، پروفیسور آریایی و تیالت^۷ (۱۹۷۷) کارهای با ارزشی انجام داده‌اند.

رامشت (۱۳۸۰) با تبیین رابطه ژئومرفولوژی و کانون‌های مدنی در ایران، دریاچه‌های دوران چهارم را کانون اصلی مدنیت در ایران معرفی میکند و از رودخانه‌ها و سواحل بعنوان دیگر عوامل موثر در تشکیل کانون‌های

¹-Velikovsky

²-worlds in collision

³-Earth in pheaval

⁴- Baradostain culture

⁵- Vita finzi.c

⁶-Van siest.w

⁷- Tibault.c

مدل که یک مدل سیاره‌ای محسوب می‌شود با افزایش برودت و گسترش یخچالها کانون‌های مدنی در اروپا و امریکا بسمت نواحی پست استوائی فشرده شده و به اصطلاح این دوران را دوران قبض مدنی در اروپا و امریکا و یا دوره همگرایی مدنی استوائی مینامند. (باباجمالی ۱۳۸۶ ص ۳۴-۳۹) در پی افزایش نسبی دمای کره زمین، پیشروی یخ‌ها متوقف و ذوب آنها از سرزمین‌های پوشیده از یخ‌های قاره‌ای، شرایط مساعدی برای ایجاد کانون‌های مدنی جدید بوجود می‌آورده و لذا از تراکم آنها در مدارات میانه و پایین کاسته و جهتی به سمت مدارات بالاتر نشان می‌دهند. این دوره به نام دوره واگرایی کانون‌های مدنی از محور مداری یا دوره بسط مدنی قلمداد می‌شود. (شکل ۱)

تحقیقات پاره‌ای از باستان‌شناسان و مورخان نیز مانند فیلیپ‌جی. آدلر (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که خط سیر مدنی‌ها در کره زمین از چنین مدلی در مقیاس سیاره‌ای پیروی می‌نماید. اما آنچه در ایران رخ داده کاملاً برعکس مدل فوق است بطوری که در ایران دوران سرد مقارن با زمانی است که مدنی‌های بزرگ و متعدد شکل می‌گیرند و دوره‌های گرم مصادف با محدودیت و از بین رفتن کانون‌های مدنی در این سرزمین است. در یک تعریف کلی تر، زمان رشد مدنی در اروپا و امریکا همزمان با افول مدنی در ایران و زمان افول مدنی در اروپا و امریکای شمالی همزمان با رشد مدنی در ایران بوده است. اما نکته قابل تامل دیگر موضوع انقطاع مدنی در اروپا و امریکا در دوره‌های قبض مدنی است. حال آنکه در سرزمین ایران در دوره قبض مدنی شامل همه مناطق نمی‌شده است و درست در حوض افول مدنی در بخشی از ایران، بخش دیگری از ایران شاهد شکوفایی و رشد مدنی بوده است. به عبارت دیگر ایران در هیچ دوره‌ای شاهد انقطاع مدنی نبوده حال آنکه در اروپا و امریکا دوره‌های برودتی پوششی از یخ با ضخامت یک تا دوهزار متر سراسر اروپا و امریکای شمالی را پوشش می‌داده و لذا امکان هرگونه فعالیت بشری متوقف می‌شده است (کورت ساپلی ۱۹۹۸^۳: ص ۳۸-۷۲).

مدنی نام می‌برد. هورتون^۱ (۲۰۰۴) به واکنش انسان و تغییرات سطح اساس خلیج فارس در هلسن اشاره نموده و تأثیرات نوسانات آب خلیج فارس بر روی سکونتگاهها بین ۳ تا ۶ هزار سال قبل از میلاد مسیح پرداخته و اهمیت آن در چگونگی ایجاد اولین مدنی‌ها در جهان که تحت تأثیر موقعیت طبیعی گودال خلیج فارس به وجود آمده‌اند می‌پردازد. کالینامورو^۲ (۲۰۰۴) مروری بر جابجایی رودخانه‌های دجله و فرات و تأثیرات ممکنه آن بر تحولات مدنی در قسمت سفلی این جلگه دارد و به اهمیت این موضوع در توزیع سکونتگاهها در جلگه بین‌النهرین پرداخته و بر اساس مدل جابجایی رودخانه‌ها الگوهای رسوبی و کانال‌ها، کمربند جابجایی رودخانه‌ها رابه عنوان مکانهایی که سکونتگاههای شهری بر گرد آن پدیدار و متحول شده‌اند مورد توجه قرار داده است.

این مقاله سعی دارد با توجه به کارهای انجام شده در زمینه سکونت گاه‌ها و اثر تغییرات اقلیمی بر جابجایی، افول و یا رشد و توسعه آنها، بر اساس روش تحلیل اسنادی متکی به مواریت اقلیمی به تحلیل نحوه شکل‌گیری کانون‌های مدنی بپردازد و عوامل طبیعی که موجب ایجاد هویت مکانی در ایران شده است را بازسازی و تفاوت‌های مدنی در ایران را با سایر مناطق را باز گو نماید.

بحث:

کانون‌های مدنی و نحوه توزیع مکانی و زمانی آنها از جمله مباحث عمده علوم اجتماعی و مردم‌شناسی است که توجه بسیاری از پژوهندگان دیگر را نیز به خود جلب نموده و در این بین تأثیر عوامل محیطی به ویژه تغییرات اقلیمی و فرآیندهای ناشی از آن و چگونگی تأثیر این رخدادها بر کانون‌های مدنی است که که اخیراً مورد توجه دانشمندان علوم جغرافیا (ژئومورفولوژیست‌ها) قرار گرفته است.

بطور کلی براساس نظرات تون بی و ویلی دورانت مدل توسعه مدنی در دنیا از مدل تغییرات اقلیمی یعنی حاکمیت دوره‌های سرد و گرم تبعیت می‌کرده است. در این

^۱ Hurton Benjamin

^۲. Calina/morozava

^۳- Curt suplee

را نیز در بر داشته است و آن کاهش سطح آب دریا‌های آزاد است. میزان پایین رفتن آب بر اساس شواهد ژئومرفیک موجود در کف بسیاری از دریاها تا یکصد متری عمق فعلی نیز گزارش شده است (کلتات، ترجمه ثروتی ۱۳۷۸ ص ۱۹۰-۱۹۷). این رخدادها پدیده‌های عام ناشی از حاکمیت دوران سرد بر زمین قلمداد می‌شود. نتیجه چنین تغییراتی در اروپا و امریکای شمالی انباشت شدید نزولات‌ها بصورت پوشش‌های عظیم یخی بوده که سرتاسر اروپا را فرامی گرفته است و بدنبال آن امکان ادامه حیات بشری بر روی پوشش چند هزارمتری یخ از میان می‌رفته است لذا تمامی سکونت گاه‌های بشری به نواحی پست‌تر و یا به عبارتی گرم‌تر کشیده می‌شده است. شکل (۲)

اما درست در همین مقطع زمانی در ایران اتفاق دیگری تکوین می‌یافته است. با برودت و رطوبت بیشتر محیطی ارتفاعات بیش از دوهزار و پانصد متری در ایران پوشیده از یخ‌های کوهستانی شده و ذخایر عظیمی از آب در آنها انباشت می‌شده است که بعضاً بصورت یخچال‌های کوهستانی حرکت و بسوی مناطق کم ارتفاع‌تر روان می‌شده‌اند. حرکت یخ‌ها با کم شدن ارتفاع و افزایش دمای محیطی ذوب شده و رودخانه‌ها در این زمان از آب بیشتری برخوردار و به سطوح اساس محلی یعنی همان چاله‌های بسته داخلی سرازیر می‌شده‌اند. لذا در ایران مقارن با حاکمیت سرما و یخزدگی گسترده در اروپا و امریکای شمالی دوران رونق و پر آبی را پشت سر می‌گذارده و در نتیجه اراضی مستعد برای فعالیت انسانها فراهم شده و از سوی دیگر با گسترش جنگل‌ها و مراتع شرایط لازم برای رشد سکونت گاه‌ها و مدنیت‌های مسکون و روان فراهم می‌شده است. این شرایط بیشتر بر فلات مرکزی ایران حاکم بوده شهرهای بزرگی چون ری، قم، یزد، کرمان، میبد، اردستان، کاشان، اصفهان، مرودشت، زابل، مشهد، تبریز، ارومیه، بیرجند، دامغان، سبزوار، و... از چنین وضعیتی بهره‌مند شده گسترش یافته‌اند ولی نقاط مرتفع شانس برای مسکون شدن نداشته‌اند. در همین حال سواحل دریا‌های آزاد یعنی سواحل دریای عمان و خلیج فارس دست خوش تحول قهقرائی شده و تمام شهرهای ساحلی بواسطه پایین رفتن

این تفاوت‌ها در ایجاد هویت مکانی و شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های ارضی نقش مهم و موثری ایفا نموده است.



شکل (۱) نحوه توزیع کانون‌ها در دودوره یخچالی و بین یخچالی

تغییرات اقلیمی و کانون‌های مدنی در ایران

اگر براساس نظریات اخیر در زمین‌شناسی طول دوران چهارم را از ششصد هزار سال پیش به این طرف قلمداد کنیم (پدرامی، ۱۳۶۷)، تغییرات اقلیمی را باید از جمله ویژگی‌های عمده این عصر برشماریم بنحوی که بر اساس روش‌های جدید^۱ بیش از نود سیکل تغییر اقلیمی یا به تعبیری هر شش تا هفت هزار سال یکبار با یک تغییر اقلیمی عمده روبرو بوده ایم.

علل این تغییرات هرچه باشد، تاثیر آن بر سکونت گاه‌های بشری، مهاجرت و جابجائی و معیشت انسان چیزی نیست که بتوان سادگی از آن گذشت. بنا بر این قابل انتظار و منطقی است هنگامیکه که تغییری در سیستمی شکل زا بوجود آید، الگوهای مدنی پاسخی به این فرآیندها داشته باشند و چنانچه نتوانند پایداری خود را حفظ نمایند، محدود و یا جابجا شده و یا نهایتاً به ورطه نابودی کشانده شود.

تاثیر تغییرات کلان اقلیمی در ایران با آنچه در اروپا و امریکا بر کانون‌های مدنی داشته است متفاوت است. بطور کلی حاکمیت دوران سرد سبب افزایش برودت و بعضاً رطوبت در نواحی شده و این امر بخش عمده‌ای از نزولات جوی باریده شده در نوار عرض‌های بلند جغرافیائی را بصورت جامد بر روی نواحی قطب و جنب قطب بلوکه می‌کرده است. این انباشت‌های یخی در قاره‌ها نتیجه دیگری

^۱ - روش رادیو ایزوتوپ‌ها

در این مقطع زمانی با افزایش دما و کاهش رطوبت محیطی در ایران مرکزی خشکی حاکم گشته، منابع آبی کم، پوشش‌های گیاهی محدود و نتیجتاً فرسایش بادی حاکم و شهرهای بزرگ در ایران مرکزی دچار رکود وافول شده‌اند بطوریکه ده‌ها شهر وروستای بزرگ بطور کلی از میان رفته و وبعضاً زیر شن‌های روان مدفون شده‌اند که آثار وبقایای آن امروزه در گوشه وکنار ایران توسط باستان شناسان کشف شده است. به عنوان مثال شهرهایی چون تنگه غلامان، شهر سوخته، اریسمان و دهها شهر و دهکده دیگر از این نمونه‌اند.

بعبارت دیگر دوره حاکمیت گرمائی درایران مقارن با دوره قبض مدنی درایران بوده است. اما در همین دوره با ذوب شدن یخ‌های قطبی سطح دریاهای آزاد شروع به بالا آمدن نموده بگونه‌ای که سطح آب در دریای عمان وخلیج فارس بر اساس شواهد ژئومرفیک بیش از هفتاد متر از حد فعلی بالاتر بوده است. (رامشت ۱۳۸۰ص ۹۳-۱۱۰)



شکل (۲) دوره یخچالی، همگرایی مدنیتهادر عرض‌های میانی (قبض مدنیته)

سطح آب از دریا دورمانده و لذا افول مدنی خود را تجربه میکرده‌اند بطوریکه بر اساس شواهد ژئومرفولوژیک که پارسر از آن یاد میکند خط ساحلی در خلیج فارس به حوالی تنگه هرمز عقب نشینی کرده از دریا فاصله می‌گرفته‌اند، بطوریکه خلیج فارس سه بار در طول دوره‌های یخچالی به کلی خشک شده است وسواحل آن به دهانه‌های تنگه هرمز محدود میشده است و بسیاری از جزایر به خشکی پیوسته وموقعیت بندری خود را از دست میداده‌اند (پارسر^۱ - ۱۹۷۳). بنابراین در دوره انقباض مدنی در دنیا، نواحی مرکزی ایران با رشد مدنی ونواحی ساحلی جنوب با افول مدنی مواجه بوده است. لازم به یاد اوریتست که خطوط سواحل شمالی دقیقاً حالت عکس خطوط ساحل جنوبی را تجربه می‌کرده است زیرا دریای مازندران یک دریاچه بسته بوده است و در دوره حاکمیت برودت وسرما سطح آب آن بالا آمده و لذا بر اساس نوشته‌های محمودی (۱۳۶۷ ص ۵-۴۳) هفتادوپنج متر سطح تراز با حد فعلی تفاوت داشته است با این حال شهرهای خطوط ساحلی در شمال نیز از این جریان نفع چندانی نبرده وبا آب گرفتگی وتغییر مکان بسمت نواحی مرتفع تر همراه بوده‌اند.

بطور کلی می‌توان گفت در این دوره که به دوره قبض مدنی در اروپا وامریکا موصوف است در ایران شاهد گسترش وسیع مدنیته مسکون شهری وروستائی وهمچنین بواسطه گسترش مراتع وعلف زارها مدنیته روان (کوچ نشینی) را نیز شاهد بوده ایم. به این دوره از رشد در ایران دوره مدنیته سرد اطلاق می‌شود زیرا برودت موجب شکوفائی مدنیته در ایران مرکزی شده است.

اما حاکمیت دوره گرم‌تر از امروز نیز بوقوع پیوسته است. این دوره که مصادف با ذوب یخ پوش‌ها ویخچال‌هاست دوره بسط مدنیته در اروپا وامریکای شمالی بشمار می‌آید وهمچنان که در شکل (۳) دیده می‌شود کانون‌های مدنی از محور استوا فاصله گرفته وتا عرض‌های ۷۰ درجه هم گسترش یافته‌اند.

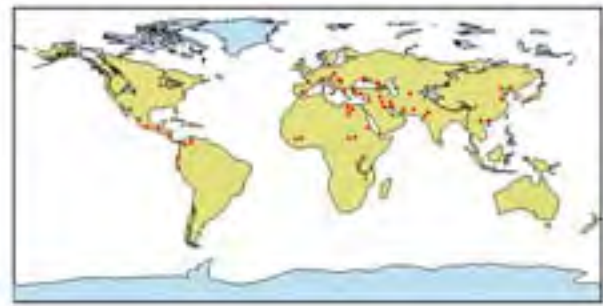
در ایران مقارن با دوره گرم توسعه مدنی درست عکس آنچه در اروپا وامریکا بوقوع پیوسته رخ داده است.

^۱- parser

گرچه امروز مدنیت حلقه مفقوده مطالعات فرهنگی است اما نقش تعیین کننده در ساختار اجتماعی و فردی دارد بطوریکه انسان نیاز شدیدی به هویت بخشی خود از طریق ایجاد تعلق خاطر به مکان، کس و یا چیزی را دارد و بعنوان یک حس غریزی در او متجلی است. انتساب به فلان طبقه یا خاندان و عشیره و یا گروه و نحل و مکان همگی حاکی از نیاز به هویت بخشی تلقی می شود و همین وضعیت برای واحدهای اجتماعی بزرگتر و حتی اقوام و ملل نیز دارای اهمیت و درجه اعتبار وافر است. حال هرچه این مراجع اصیل تر، ریشه دارتر و دارای پیشینه قوی تری باشند هویت جمعی و فردی پررنگ تر و غنی تر و ثمره آن فرهنگی ریشه دار و غیر قابل خدشه و انکارناشدنی تر خواهد شد.

نتیجه گیری

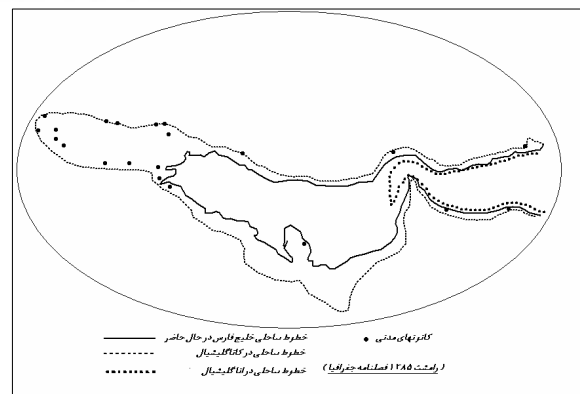
با اتکا به مطالعات محیطی می توان بخوبی دریافت که بسیاری از ویژگی های هویت بخش مکانی تحت تاثیر عوامل طبیعی بوجود آمده و ریشه در تغییرات محیطی بویژه تغییرات اقلیمی در سطح کلان دارد. هویت شهرهای ایران تابع عوامل برودتی و حرارتی و نحوه جایگزینی این تواتر طبیعی است بگونه ای که در دوره های سرد پاره ای از کانون های جمعیتی در ایران شروع به رشد و گسترش نموده اند و پاره دیگر از این مراکز در دوره های گرم توسعه و پایداری یافته اند این روند در ایران درست برعکس اتفاقات رخ داده در اروپا و امریکای شمالی است. مراکز و کانون های جمعیتی که در دوران سرد بوجود آمده و یا گسترش یافته اند را مدنیت سرد و شهرها و کانون های جمعیتی که در دوره های گرم نضج گرفته اند کانون های مدنی گرم نامیده می شوند. استثنای دیگر در تاریخ مدنی ایران عدم انقطاع مدنیت در این سرزمین است بگونه ای که بر خلاف امریکای شمالی و اروپا این سرزمین هرگز با انقطاع کامل مدنی مواجه نبوده و اگرچه در دوره ای پاره ای از کانون های مدنی افول نموده اند درست و مقارن با آن در جاهای دیگر این سرزمین تولید و رشد پاره ای دیگر از کانون های مدنی در حال شکل گیری بوده است. اگر چه



شکل (۳) حاکمیت دوره گرم، ذوب یخ پوش ها و گسترش کانون های مدنی (دوره بسط مدنیت)

لذا می توان بر اساس چنین ارتفاعی خط ساحل خلیج فارس در انزمان را ترسیم و شهرهای بندری در آن زمان را به ترتیب برازجان، بهبهان، رامهرمز، شوشتر، دزفول، مهران، دهلران، و در کشور عراق بده و تکریت دانست. به عبارت دیگر مدنیت ساحلی در دوره گرم سبب ایجاد چنین مراکز جمعیتی شده و لذا به همین خاطر این شهرها را مدنیت گرم نامیده اند. شکل (۴)

با توجه به نحوه افول و یا گسترش کانون های مدنی در نقاط مختلف ایران بخوبی میتوان دریافت که عدم انقطاع رشد مدنیت جزء استثنائاتی است که به لحاظ وجود شرایط متفاوت با دیگر نقاط جهان در سرزمین ایران رخ داده و این بدان معناست که در بررسی ها و پژوهش هایی که قلمروهای فرهنگ و تمدن را به واسطه کانون های مدنی پایدار مورد توجه قرار می دهند، مدنیت ها بعنوان یک شاخص مهم مطرح و استمرار بدون انقطاع آن هویتی ویژه را برای مکان های فوق بوجود می آورد.



شکل (۴): تغییرات خطوط سواحل خلیج فارس و دریای عمان در تغییرات اقلیمی (سرد و گرم)

- محمودی؛ فرج‌اله، تحول ناهمواریهای ایران در کواترنر، ۱۳۶۷،
مجله پژوهشهای جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۲۳
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۹۸۲، انتشارات و آموزش انقلاب
اسلامی، جلد ۱ ص ۳

-Ariai, A. and C.Thibault ,1977, Nouvelles
Proeoisions apropos de loutillage
paleolithique anacien sur galets de khorassan
(Iran) paleorient 3 :101-8

- Coon, C.s ,1957, The Seven Cave. Archaeological
Explorations in the Middle East. New york,
Alfred A.Knopf

-- Curt Suplee,1998 , Unlocking The
ClimatePuzzel ,National Geography,Vol 193,No.5
,P 38-72

- Hrton,BenJamin, (2004) Human responses to
Holocene sea level change in the Persian Gulf. by
universitiy of Pennsylvania and university of
Durham.uk

- Parser,B.h, 1973, The Persian Gulf ,Holocen
carbonate Sedimentation and Diayenesis in a
Shallow Epicontinental sea, Berlin, Hidelberg.
Newyork

-Vita – Finzi, C. 1980 , Surface finds from Iranian
Makran. Iran18: 149-55 .

- Velikovsky, Immanuel, worlds in collision, 1950
London , Gollancz

- Velikovsky, Immanuel, Earth in pheaval 1655
Gardencity, N.y, Doubleday .

-Van Ziest, W. and Bottema , 1977 ,Palynological
Investigations in Western Iran Palaeochistoria 19:
18-85

-Wright,H.E , 1963," Climatic Chanche and Plant
Domesticationin The Zagros Mountains" , journal
of Persian studies , P145-148

افتراق‌های متعددی بین مراکز مدنی گرم و سرد در
زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و معیشتی و حتی
مطلوبیت‌های فردی دیده می‌شود ولی تبادل و ارتباط غیر
منقطع مدنی در این سرزمین نوعی همگرایی منطقه‌ای
و پایداری هویتی مکانی را بوجود آورده که سبب
پیچیدگی‌های اسرار آمیز مردم ساکن در این سرزمین شده
است.

منابع و مأخذ

- باباجمالی، فرهاد، فرآیندهای شکل‌زا و نقش آن در
شکل‌گیری کانونهای مدنی ایران، ۱۳۸۶، پایان نامه، کارشناسی
ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ص ۳۴-۳۹

- پدرامی. منوچهر، سن مطلق کواترنر، ۱۳۶۷ مجله دانشکده
علوم، جلد ۱۷، شماره ۳ و ۴، ص ۸۸

- دمورگان، ژاک، ترجمه کاظم ودیعی: مطالعات جغرافیای
ایران، ۱۳۳۸، تبریز.

- رامشت، محمدحسین: «دریاچه‌های دوران چهارم بستر تبلور
مدنیت در ایران» ۱۳۸۰، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶
ص ۹۳-۱۱۰

- سید سجادی، سید منصور، نخستین شهرهای فلات ایران،
۱۳۸۴، انتشارات سمت، جلد ۲، (ص ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۳۸، ۳۵۳،
۳۷۴، ۴۰۱-۴۰۷)

- صادقی، عباسقلی، جغرافیای کواترنر، ۱۳۸۳، دانشگاه پیام نور،
(ص ۴۰-۵۰ و ۹۸-۱۰۱)

- فلامکی، منصور، فارابی و سیر شهر و شهروندی در ایران،
۱۳۶۷، نشرنقره، ص ۴۳-۴۵

- فیلیپ جی - آدلر: ترجمه محمدحسین آریا، تمدنهای عالم،
۱۳۸۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول

- کون. S.C. هفت غار، اکتشافات باستانشناسی در خاور میانه،
نیویورک، ۱۹۵۷، ژورنال آلفرد آنوف، ۱۹۰۷

- کلتات. دیترو، محمد رضا، جغرافیای طبیعی دریاها
و سواحل، ۱۳۷۸، انتشارات سمت، ص ۱۹۰-۱۹۷